



معلم هنر است

پای صحبت بهرام پازوکی، پیش‌کسوت تربیت‌بدنی

سمانه آزاد

اشاره

بـــرای

علاقه‌مندان

به‌شنا، بهرام پازوکی

نامی آشناست. او که کار خود را

با معلمی در گرمسار و تهران آغاز کرده، هم‌زمان فعالیت‌هایی در فدراسیون شنا به‌عنوان مسئول کمیته آموزش داشته است.

پازوکی ۱۶ سال مربی و سرمربی تیم ملی شنا کشور بوده و اکنون مشغول تدریس در دانشگاه شهید رجایی است؛ شغلی که در دوره دانشجویی به‌دنبال آن بوده است.

او معتقد است یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های حوزه تربیت‌بدنی، تفاوت در دانشگاه‌ها و

تربیت‌معلم تربیت‌بدنی است. دوره‌ای که در آن دانشجویان تربیت‌معلم، رشته‌های ورزشی را تا سطح مربیگری درجه سه یاد می‌گرفتند

و گزینش آن‌ها با گزینش رشته‌های دیگر متفاوت بود، اکنون جای خود را به دوره‌ای

داده که دانشجویان تربیت‌بدنی هم از طریق کنکور سراسری انتخاب می‌شوند و ساعات

فعالیت‌های بدنی‌شان کاهش یافته است. با او درباره معلمی، شنا در آموزش و پرورش

و امکانات در تربیت‌بدنی گفت‌وگو کرده‌ایم.

● آقای پازوکی،

تفاوت تربیت‌بدنی را

در دوره‌ای که شما دانشجو

و معلم بودید با اکنون در چه

می‌بینید؟

به‌نظر من تفاوت در دانشگاه‌ها و تربیت‌معلم است. چون دانشگاه‌های آن زمان، واقعا دانشگاه بودند

و دانشجو به معنی واقعی کلمه دانشجو بود. در دانشگاهی که من درس می‌خواندم، حدود سه سال

و نیم هر روز از ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر کلاس داشتیم. الان دانشگاه‌های تربیت‌بدنی را ببینید چگونه‌اند.

دانشجوها بیشتر بیکارند؛ چون تعداد واحدها را زیاد کرده‌اند و دروس عملی کم شده است. به‌همین

دلیل، فارغ‌التحصیلان چندان متحرک نیستند. در آن دوره ما در چهار ترم شنا را آموزش می‌دیدیم

و دو سال دو و میدانی کار می‌کردیم. اما الان این‌ها تبدیل شده است به دو واحد و یک جلسه. این، چه

خروجی و بازدهی می‌تواند داشته باشد؟

● پس شما مسئله را در دانشگاه می‌بینید؟

بله. تربیت‌معلم باید درست انجام شود. اولاً گزینش دانشجویان تربیت‌بدنی باید درست باشد. از افرادی

انتخاب شوند که هم ورزشی باشند هم علمی؛ یعنی هم درسشان خوب باشد هم ورزششان این دو

موضوع، دو کفه ترازو هستند که باید همپای یکدیگر باشند. اگر این دو را از هم جدا کنیم یا یکی بر دیگری غلبه کند، موفق نخواهیم بود. کسی که در ورزش موفق باشد اما بخش علمی آن را نداند، نمی‌تواند ساختار علمی تربیت‌بدنی را در مدرسه اجرا کند یا اگر برعکس این باشد اتفاقی می‌افتد که امروز در دانشگاه‌ها شاهد آن هستیم؛ یعنی از کنکور سراسری برای تربیت‌بدنی دانشجو انتخاب می‌کنند.

قبلاً چگونه بوده است؟

کنکور رشته تربیت‌بدنی جدا بود. بعد از کنکور و امتحان تئوری هم، امتحان عملی بود تا بدانند دانشجو از نظر بدنی در چه وضعیتی است. به همین دلیل هم بود که تعداد زیادی از قهرمانان ملی و باشگاهی در دانشگاه‌ها بودند. بنابراین در گزینش دانشجو کمی اشکال وجود دارد. ثانیاً در برگزاری کلاس‌ها برای تربیت‌معلم تربیت‌بدنی، معلم را باید معلم به معنی واقعی تربیت کرد. در زمان دانشجویی، من در ۹ رشته مدرک مربیگری درجه سه گرفتم. به این دلیل که استادان از پایه، و عالی تدریس می‌کردند؛ یعنی وقتی ما دانشجویان به فدراسیون‌ها رسیدیم، می‌توانستیم مدرک مربیگری درجه سه را بگیریم. در چنین سطحی به ما آموزش می‌دادند اما اکنون چنین چیزی نیست.

قدر تربیت‌بدنی بحث امکانات و تجهیزات هم اهمیت دارد اما شما نگاه ویژه‌ای به معلم دارید. چگونه معلمی مدنظر شماست؟

معلمی باید در خون فرد باشد. معلم در وهله اول باید بچه‌ها را دوست داشته باشد و عاشق آن‌ها باشد. معلمی و انتقال اطلاعات را دوست داشته باشد یا حداقل در طول دوره تحصیلش به این موضوعات علاقه‌مند شود. به‌نظر من، معلمی یک هنر است و هرکسی نمی‌تواند معلم باشد. معلمی باید در رگ و ریشه انسان باشد. علاوه بر همه این‌ها باید به آنچه می‌خواهد به دانش‌آموز منتقل کند علاقه داشته باشد.

جایگاه تربیت‌بدنی در دوره‌ای که شما معلم بودید چگونه بود؟ شاید اکنون به‌نظر می‌رسد که تمرکز بیشتر بر درس‌های دیگر است. آن دوران چه نگاه و فضایی بر تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش حاکم بود؟

نگاه مانند الان بود و تغییری نکرده است در آن زمان هم اگر معلم کوتاهی می‌کرد، زنگش را برای درس‌های دیگر می‌گرفتند و الان هم به همین شکل است. در آن زمان برخی از معلمان به دلیل اینکه عضو تیم‌های ملی یا باشگاهی یا ورزشکار ملی و استانی بودند، یک یا دو رشته را در مدرسه‌ای که

تدریس می‌کردند پرورش می‌دادند و به سطوح بالا می‌رساندند.

اکنون که خودتان در جایگاه استادی هستید، چه روشی را در پیش گرفته‌اید؟

الحق دانشگاه خیلی حمایت می‌کند و استادانی که کار می‌کنند خیلی خوب هستند. دانشجویان هم مانند موم‌اند؛ آن‌ها را هر طور که شکل دهید، شکل می‌گیرند. استاد در وهله نخست باید دانشجویان را جذب کند و بعد، آن‌ها را از اهمیت رشته‌ای که تدریس می‌کند، آگاه سازد. این موضوع در آینده آن‌ها تأثیر دارد. دانشجو وقتی وارد دانشگاه می‌شود، اهمیت بسیاری از مسائل را نمی‌داند اما وقتی متوجه شد، خودش مشتاق می‌شود.

با توجه به اینکه رشته تخصصی شما شناخت، در دوره معلمی به چه شکل تدریس می‌کردید؟

در دانشگاه رشته‌های گوناگون از جمله والیبال، بسکتبال، پینگ‌پنگ و تمام رشته‌هایی که در آموزش و پرورش مطرح بود را در حد مربیگری درجه سه آموزش دیدیم. بنابراین، هر درسی را که لازم بود، در مدرسه آموزش می‌دادیم. تدریس در حوزه شنا برای من جدا از آموزش و پرورش بود. من بعد از ظهرها و تابستان‌ها در فدراسیون شنا بودم اما کار اصلی‌ام در آموزش و پرورش بود. ضمن اینکه به‌نظر من تربیت‌بدنی در مدرسه به‌وسیله‌های خاص احتیاج ندارد.

اگر معلم خوب تربیت شده باشد و بداند چه اهدافی را باید دنبال کند، بدون وسیله یا با وسایل جزئی هم می‌تواند کار کند.

شما تجربه چنین کاری را داشتید؟

بله، مثلاً وقتی در گرمسار تدریس می‌کردیم، به کمک دانش‌آموزان چاله پرش درست کردیم. حتی برخی از وسیله‌ها مثل موانع دو و میدانی را خودمان ساختیم. منتظر نبودم کسی وسیله فراهم کند. حتی اگر وسیله‌ای هم نبود باز هم کار می‌کردیم. مثلاً یکی از اهداف تربیت‌بدنی در دوره متوسطه دوره اول و دوم بالا بردن استقامت دانش‌آموزان است.

من با یک جلسه تمرین در هفته، دانش‌آموزان را به‌جایی رساندم که ۱۲ تا ۱۳ کیلومتر می‌دویدند. در واقع، آن‌ها را کم‌کم به طریقه دویدن عادت می‌دادم. به این ترتیب، اگر از همه اهداف فقط یک هدف ممکن بود، آن را به سرانجام می‌رساندیم. اینجا ابتکار معلم مهم است. یکی از کارهایی که ما در این زمینه در گرمسار انجام دادیم، دعوت از آقای صالح‌نیا، قهرمان دو و میدانی، بود. ما متوجه شدیم معلمان آگاهی کاملی در این زمینه ندارند، بنابراین از ایشان دعوت کردیم. آقای صالح‌نیا در دو دوره ۱۵ روزه دو

۲۲
حتی اگر فردی
استعداد قهرمان
شدن داشته باشد،
حداقل ده سال
زمان و تمرین
مداوم و حساب
شده و نظام لازم
دارد تا به سطح
مطلوب برسد
ولی ما در ورزش
سرماپه‌گذاری پایه
و طولانی مدت
نمی‌کنیم

و میدانی را به معلمان آموزش دادند. بعد از این برنامه و برنامه‌ریزی برای اجرای گام به گام دو و میدانی در مدارس بود که در مسابقات استانی مقام دوم را کسب کردیم. علاوه بر این، یکی از همان دانش‌آموزان قهرمان پرتاب وزنه کشور شد. بنابراین، وقتی کار خوب انجام شود، نتیجه‌بخش خواهد بود. وقتی معلم تربیت‌بدنی قوی باشد و در کلاس‌هایش هدف داشته باشد، دیگران نمی‌توانند در کار او دخالت کنند. در چنین موقعیتی است که دانش‌آموز هم اهمیت موضوع را درک می‌کند و با کلاس همراهی می‌کند. این مهم فقط و فقط از راه علاقه‌مندی معلم به کارش صورت می‌گیرد. اکنون متأسفانه نه در بخش علمی و نه در بخش ورزشی و هنری این دلسوزی‌ها نیست و همه چیز با پول سنجیده می‌شود.

به نظر شما، نقطه مطلوب تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش کجاست؟ آیا باید بر فرایند تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش تمرکز داشته باشیم یا بر خروجی‌ها؟

همه این‌ها یک مجموعه است که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد. معلم، امکانات و تجهیزات از یک‌سو و تربیت‌معلم از سوی دیگر همگی مهم‌اند. به نظر من، در وهله اول باید در تربیت‌معلم بازنگری داشته باشیم و نمره ملاک عمل نباشد. آموزش باید صحیح باشد. ما دو ساعت آموزشی در دانشگاه داریم که در این ساعات دانشجو نباید از کلاس جدا شود. استاد هم باید برای هر جلسه طرح درس داشته باشد و با دانشجویها کار کند. پس، در مراکز تربیت‌معلم ساختارها باید دگرگون شوند و این عملی نمی‌شود مگر اینکه استادان نخبه داشته باشیم. بنابراین، از دانشگاه تا مدرسه همگی باید اصلاح شوند. در ژاپن در کنار هر مدرسه‌ای که افتتاح می‌شود، باید استخر ۲۵ متری وجود داشته باشد. به همین دلیل است که ژاپن در شنای دنیا حرفی برای گفتن دارد. کار نیکو کردن از پر کردن است. وقتی از کودکی شنا را جدی بگیریم و بچه‌ها را از فیلتر شنا بگذرانیم، نخبه‌هایی که می‌توانند شناگر شوند وارد حوزه شنا می‌شوند. وقتی از کودکی مهارت‌های اولیه را آموزش دهیم، هر کس بنا بر استعدادی که دارد، والیبالیست، شناگر، فوتبالیست و... می‌شود.

برای استعدادیابی در حوزه والیبال، در دوره‌ای بین فدراسیون والیبال و آموزش و پرورش همکاری‌هایی صورت گرفت که نتیجه‌بخش بود. چرا چنین همکاری‌ای بین فدراسیون شنا صورت نگرفت؟

وضعیت شنا متفاوت است؛ چون حداقل یک استخر ۲۵ متری لازم دارد. اگر استخر جنبه آموزشی داشته باشد، فقط باید برای آن هزینه کرد و درآمدی ندارد. در ایران فقط چند استخر از این نوع وجود دارد و بقیه همگی خصوصی هستند و هیچ‌کار آموزشی‌ای در آن‌ها صورت نمی‌گیرد. بیشتر استخرهای دولتی هم اجاره بخش خصوصی هستند. با این وضعیت، دانش‌آموزان در کجا باید آموزش ببینند؟ سرانه استخر ما حدود ۶ دهم تا ۷ دهم متر مربع است. با این حساب، چند درصد از دانش‌آموزان می‌توانند از فیلتر شنا رد شوند؟ تعداد بسیار کمی؛ مگر اینکه خانواده‌ها علاقه‌مند باشند. کدام مرکز به‌طور نظام‌مند با دانش‌آموزان شنا تمرین می‌کند؟ در این شرایط، چگونه می‌توان انتظار داشت که قهرمان شنا داشته باشیم؟ حتی اگر فردی استعداد قهرمان شدن هم داشته باشد، حداقل ده سال زمان و تمرین مداوم و حساب شده و نظام‌مند لازم دارد تا به سطح مطلوب برسد ولی ما در ورزش سرمایه‌گذاری پایه و طولانی‌مدت نمی‌کنیم.

بخشی از این مشکلات مربوط به سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در اولویت‌بندی دروس است، اما خانواده‌ها هم طلبکار تربیت‌بدنی و سلامتی فرزندانشان نیستند.

چون آگاهی ندارند. البته اکنون مردم از اهمیت ورزش تا حدی آگاه شده‌اند ولی هنوز این امر در سطح جامعه فراگیر نیست. به همین دلیل، کمتر پیگیر سلامت ساختار بدنی فرزندان خود هستند.

برای داشتن عملکرد موفقیت‌آمیز به معلمان چه توصیه‌ای دارید؟

توصیه می‌کنم اگر به معلمی علاقه ندارند، وارد این وادی نشوند. من خودم از مسیری که طی کرده‌ام ناراحت نیستم و اگر دوباره متولد شوم، باز هم همین مسیر را انتخاب می‌کنم اما با نگاهی بهتر. علاوه بر این، معلمان به دنبال مسائل مادی نباشند و تعهد لازم را داشته باشند. معلم باید به دنبال علم باشد و طریقه انتقال اطلاعات را هم بیاموزد. در این صورت می‌تواند برای آینده دانش‌آموزان کشور مفید باشد. امیدوارم مسئولان هم به فکر معلمان باشند. در عین حال، در اصول آموزش و پرورش بازنگری کنند. این مهم به دست نمی‌آید مگر اینکه نخبه‌های رشته‌های گوناگون جمع شوند و برنامه‌ریزی کنند و بر اجرای آن اهتمام داشته باشند. در آن صورت، جوانان ما پرورش پیدا می‌کنند و می‌توانند برای کشور مفید باشند.

” اگر معلم خوب تربیت شده باشد و بداند چه اهدافی را باید دنبال کند، بدون وسیله یا با وسایل جزئی هم می‌تواند کار کند